info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۷۲۶۳
یکشنبه / ۲۸ اردیبهشت / ۱۴۰۲
۲۰ / ذوالقعده / ۱۴۴۶
18 / May / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

خوانش

امروز با حافظ

سَحَرم دولتِ بیدار به بالین آمد
گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد
قدحی در کش و سرخوش به تماشا بخرام
تا ببینی که نگارت به چه آیین آمد

خوانش

مِی، زیرِ دستِ خود تُکَند
هوش‌مند را
پَروای سیل نیست، زمین بلند
را

صائب

فرهنگ

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۱۸	۰۴:۵۷	۱۲:۰۲	۱۹:۰۷	۱۹:۲۸

برگه

از دیروز بیاموز، برای امروز زندگی کن و امید به فردا داشته باش...

آلبرت اینشتین

برش

«ناسا پر از ایرانی است»

اگر از یک ایرانی مهاجر قدیمی بپرسید که اولین توصیفات به کسی که مهاجرت می‌کند چیست؟ قریب به یقین خواهد گفت «هموطن دیدی فرار کن!»

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، اگر از یک ایرانی مهاجر قدیمی بپرسید که اولین توصیفات به کسی که مهاجرت می‌کند چیست؟ قریب به یقین خواهد گفت «هموطن دیدی فرار کن!» ممکن است این تعبیر ناراحت کننده باشد، حتی پیش خودمان فکر کنیم که گوینده خارجی شده و از اینکه با ایرانی‌ها در تماس باشد، ننگ و عارش می‌آید اما نه در این پرهیز و دوری از هموطن، دنیایی درد و ناراحتی و رنج و فلاکت خوابیده است. آن‌که فکر و اراده مهاجرت به دلش افتاده غالبا آمادگی زیادی دارد که مورد سوءاستفاده قاچاقلین و زرنگ‌های بی‌رحمی قرار بگیرد که حاضر هستند برای سود خودشان اندوخته و پس‌انداز کس دیگری را به یغما ببرند.

نمونه‌هایش فراوان هستند. هم مالیاخنگان و مال‌بردگان امثال آن‌ها که مال مردم را می‌برند را می‌توانید به وفور در شبکه‌های اجتماعی و به خصوص اینستاگرام پیدا کنید.

نمونه‌اش را در همین ماه‌ورد می‌شناسم مدعی است که از سینما تا تجارت دارو حوزه عملکردش است. مدعی است که در دانشگاه درس می‌دهد و روابطی خاص با سفارت‌های اروپایی در تهران دارد. همزمان می‌توانید ویدیوی او را که با اعتماد به نفس مدعی است که به راحتی ویزای اقامت برای متقاضی می‌گیرد را در صفحه اینستاگرام «هوسه_مهاجرتی_فلان» ببینید.

هم تاجر زعفران است و هم متخصص املاک. در شمال و جنوب اسپانیا اما نتیجه عملکردش به یغما رفتن اندوخته چندین خانواده است. این متخصصین مهاجرت وطنی دروغ‌های شاخداری از مهاجرت و اماکنافی که کشور مقصد در اختیار مهاجر می‌گذارد سر هم می‌کنند.

آن‌ها از سختی‌ها و مشقت‌ها و گرفتاری‌هایی که یک خانواده مهاجر از بدو رسیدن به مقصد - آن هم کشورهایی مثل آلمان یا اسپانیا - با آن‌ها درگیر می‌شود چیزی نمی‌گویند. آن‌ها نمی‌گویند که حتی ثبتنام فرزندان در یک مدرسه دولتی اسپانیایی یا گرفتاری‌هایی همراه است. خرید مسکن یا حتی اجاره آن پیچیدگی‌های قانونی فراوانی دارد. آن‌ها فقط می‌خواهند که پول به جیب مشتری را خالی کنند.

وکلای اسپانیایی برای انجام امور معمولی مهاجرت رقمی کمتر از ۱۰۰۰ یورو مطالبه و هموطنان عزیز فقط برای بررسی همان پرونده ۲۰۰۰ یورو از متقاضی طلب می‌کنند. کسانی را می‌شناسم که برای اخذ ویزای بدون اجازه کار در اسپانیا با بالغ بر ده هزار یورو به موسسات مهاجرتی ایرانی در اسپانیا پرداخت کردند. حتی اگر بابت پیگیری پرونده هم قرار است مبلغی گرفته شود، رقم نه هزار یورو کامل بی‌انصافی است.

افسانه‌های «ناسا پر از ایرانی است» را فراموش کنید. سویه تاریک مهاجرت در چندین سال اخیر کلاهبرداری‌های گسترده‌ای بوده که ایرانیان از ایرانیان کردهاند.

آن‌هایی که یک هفته‌ای زودتر رسیده‌اند در مقام پیشکسوت و مشاور حقوقی و بنگاه معاملات ملکی ظاهر می‌شوند و مال و امنیت روانی و آینده یک خانواده را یک جا به یغما می‌برند.

آن‌ها شگرد روانی مشترکی دارند با کمال خوشی و خوبی به شما نزدیک می‌شوند مانند دقیقی فمخملو و مهربان همراه شما هستند اما شما را زیر نظر دارند از مشخصه‌هایشان این است که برای هر کاری آشنا و راه‌حلی در جیب دارند.

ملکمی شناسند و در این زمینه تاجربه دارند در یک لحظه که شما تاجر می‌شوید با اطمینان خاطر به آن‌ها اعتماد می‌کنید. جیب‌تان را خالی می‌کنند و درست از همان لحظه همه چیز عوض خواهد شد. حلا باید بگردید و پیدایشان کنید... برادران، خواهران، دوستان، عزیزان، نمی‌خواهم بدبین‌تان کنم نمی‌خواهم بذر بدبلی و بی‌اطمینانی را در دل شما بکارم اما به کسانی که نام و نشانی ندارند یا یک صفحه اینستاگرامی و از اتاق یا دفتری به ظاهر شیک که در گوشه‌ای پرچم اروپا گذاشته‌اند به شما توسط همه‌ای مهاجرتی می‌کنند گوش نکنید. اگر خواستید در اسپانیا و قبرس و ترکیه ملکی بخرید، تحقیق کنید سوال کنید به محل سفر کنید و بعد اقدام کنید. این ستون را با دردل نوشته‌ام، عصبانی هم بودم. یکی از آشنایان گیر همین شیادان افتاده زن و شوهر جوانی که یکی تکنیسین بیهوشی و دیگری تکنیسین ارتوپدی است. خانواده‌ای ایرانی با آن‌ها آشنا می‌شوند و بعد از مهربانی‌های زیاد در فرصتی چند هزار یورو اندوخته زندگی آن‌ها را به یغما برده‌اند. بی‌هیچ اثری ناپدیدی.

در مقابل خواهش‌های زن و شوهر جوان آن‌ها را تهدید به تماس با پلیس به جرم ایجاد مزاحمت کردهاند. آن‌ها ناتان و درمانده شدهاند. این فقط یکی از آخرین خبرهایی از این دست است که شنیدهام و می‌دانم که با زهم خواهم شنید. باز هم کسانی به بهانه ویزا و اقامت اندوخته مردم را به یغما خواهند برد. باز هم عده‌ای در دام خریدملک در جنوب اسپانیا و اخذ اقامت خواهند افتاد و باز هم دعوا و سد اهالیرانی دیگر هدف کلاهبرداری هموطنانشان در خارج از کشور قرار خواهند گرفت.

نیوشا طبیبی

گزارش روز

ارزشمند و قابل تقدیر

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، در روزهایی که بار دیگر فضای سیاسی جهان با ادبیات تند و تهدیدآمیز دونالد ترامپ رنگ‌وبوی تنش گرفته است سخنان صریح و بی‌پرده رئیس‌جمهور کشورمان، دکتر مسعود پزشکیان، نه تنها در داخل کشور، بلکه در رسانه‌های منطقه‌ای و شبکه‌های اجتماعی نیز بازتابی پررنگ یافت. جملاتی کوتاه اما سرشار از صلابت که پاسخی به‌موقع به ادبیات تهاجمی والیته بی‌ادبانه رئیس‌جمهور ایالات متحده بود: «ترامپ به ما گفته خطرناکا ۶۰ هزار زن و بچه را در عرض یک سال نابود کردیم یا شما؟ در برابر هیچ‌قلدری سر خم نخواهیم کرد». رئیس‌جمهور مجدد با اشاره به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرد: ترامپ خواب ببیند که ما با تهدید و قشار عقب‌نشینی کنیم‌ها یا قدرت و عزت مذاکره می‌کنیم و یا ذلت سر خم نمی‌کنیم. من به مذاکره و صلح اعتقاد دارم ولی این‌گونه مذاکره‌نمی‌کنیم که ما را تهدید کنند و اسلحه طرف ما بگیرند تا هر چه بخواهد به دست آورد و ما تسلیم شویم این سخنان، فراتر از یک واکنش هیجانی، حاوی پیام‌هایی روشن، دقیق و راهبردی برای ارکان عمومی داخلی و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی بود.

پاسخ به موقع در تراز یک رئیس‌جمهور

پزشکیان، برخلاف برخی چهره‌های سیاسی که از مواجهه مستقیم با تهدیدات جهانی پرهیز می‌کنند، درست در لحظه‌ای کلیدی وارد میدان شد. زمانی که افکار عمومی تشنه دریافت واکنشی قاطع از سوی عالی‌ترین مقام اجرایی کشور بود، او ترجیح داد با سکوت، امنیت روانی جامعه را فزبی نکند و به جای مماشات، با شفافیت سخن بگوید. این اقدام، نه یک پاسخ احساسی، بلکه پاسخی مدیرانه به هجمه‌های رسانه‌ای و سیاسی بود که در نبود واکنشی درخور، می‌توانست به برداشت‌های نامصحیح در افکار عمومی داخلی و خارجی دامن بزند.

عبور پزشکیان از محافظه‌کاری دیپلماتیک

در این سخنرانی خبری از ادبیات محافظه‌کارانه و مماشات‌محور نبود. پزشکیان بدون آنکه در دام معادله «مذاکره یا تقابل» بیفتد، از عزت ملی سخن گفت. او به روشنی نشان داد که صلح‌طلبی الزاماً با ضعف در برابر تهدیدها همراه نیست و می‌تواند در عین دفاع از تعامل، استقلال سیاسی را حفظ کرد.

کلامی از دل باورهای ایرانی - انقلابی

زبان قدرتی که رئیس‌جمهور در بیانات خود به‌کار برد، خاستگاهی روشن در حافظه تاریخی و فرهنگی ملت ایران داشت: سخن از شهادت، از جان دادن در راه میهن و از عزت ملی، برخاسته از همان روحیه‌ای است که مردم ایران در برهه‌های حساس تاریخی — از انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس — به نمایش گذاشته‌اند. پزشکیان با این ادبیات نه شعاری توخالی، به باوری عمیق را بازتاب داد؛ باوری که در نهاد جامعه ایرانی نهادینه شده و در بزنگاه‌ها به کنش جمعی تبدیل می‌شود. شاید مهم‌ترین بُعد این سخنرانی، تأکیدی بود که رئیس‌جمهور بر اصول ومبانی انقلاب اسلامی و استقلال سیاسی داشت. در فضایی که برخی گفتمان‌های سیاسی همه مسائل کشور را به میز مذاکره گره می‌زنند، پزشکیان نشان داد که در عین باور به گفت‌وگو، هرگز هویت، عزت و استقلال کشور را گروگان توافق یا لبخند قدرت‌های جهانی نمی‌کند. این موضع، پیدا گر ثبات شخصیتی و انسجام فکری در بالاترین سطح مدیریت اجرایی کشور است.

پیام روشن به جامعه جهانی

از منظر دیپلماسی عمومی، این موضع‌گیری پیام روشنی به جامعه جهانی مخابره کرد: ایران کشوری است که در برابر هیچ تهدید و فشار بیرونی از مسیر استقلال خود عدول نمی‌کند و توانست با بیانی شفاف و مقتدرانه، معادله قدرت در ذهن مخاطب جهانی را بازتعریف کند؛ بی‌آن که از جایگاه کشور تحت تحریم نشانی از انفعال در لحن خود نشان دهد. این پیام، بیش از هر چیز نمایانگر توانمندسازی دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از گفتار قدرت در عرصه بین‌المللی بود.

جفا به صدای عزت

با تمام این تفاسیر، آنچه جای تأمل دارد، کم‌توجهی برخی تریبون‌های سیاسی به این موضع‌گیری مهم بود. این سکوت، اگر از سر غفلت نباشد، قطعاً نشانه سانسورذگی آن دسته از جریان‌های رسانه‌ای است که حتی در برابر مواضع درست و انقلابی نیز صرفاً به دلیل تفاوت جناحی، چشم بر حقیقت می‌بندند. در حالی که در شرایط کنونی کشور، هر سخنی که در مسیر منافع ملی باشد باید از هر تریبونی تقویت و نشر یابد. سکوت در برابر آن ظلمی است مضاعف به افکار عمومی و امنیت روانی جامعه در نهایت، رئیس‌جمهور با این موضع‌گیری نشان داد که هم به جایگاه ملی خود اشراف دارد و هم به ضرورت‌های بین‌المللی پاسخ می‌دهد.

اشاره

خط قرمزِ فرش قرمز

برای سال‌ها، فرش قرمز جشنواره کن صحنه‌ای بود برای نمایش مدعای اقراطی، لیلی‌های بدن‌نما و گاه حتی پوشش‌هایی که مرز میان هنر و برهنگی را محو می‌کردند. از لیلی حریر بلاحدید در سال ۲۰۲۱ گرفته تا استایل‌های جنجالی کندال جنر و نادیالی کوهن، به تدریج پوشش‌هایی که پیش‌تر در حاشیه بودند دیل به روندهای غالب شدند، اما حالا، با ورود سیاست رسمی «ممنوعیت برهنگی» به نظر می‌رسد که ورق برگشته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از صبح نو، در حالی که جشنواره بین‌المللی فیلم کن ۲۰۲۵ با شکوه و هیاهوی همیشگی در شهر ساحلی کن فرانسه آغاز شده، امسال نه فیلم افتتاحیه، نه ستارگان سینما و نه حتی حضور ژولیت بینوش به‌عنوان رئیس هیأت داوران، بلکه یک بند تازه‌وارد در آیین‌نامه جشنواره بیش از همه نگاه‌ها را به خود جلب کرده: ممنوعیت رسمی برهنگی در فرش قرمز و دیگر رخش‌های جشنواره.

پایان دور برهنه‌پوشی نمایشی

برای سال‌ها، فرش قرمز جشنواره کن صحنه‌ای بود برای نمایش مدعای اقراطی، لیلی‌های بدن‌نما و گاه حتی پوشش‌هایی که مرز میان هنر و برهنگی را محو می‌کردند. از لیلی حریر بلاحدید در سال ۲۰۲۱ گرفته تا استایل‌های جنجالی کندال جنر و نادیالی کوهن، به تدریج پوشش‌هایی که پیش‌تر در حاشیه بودند دیل به روندهای غالب شدند، اما حالا، با ورود سیاست رسمی «ممنوعیت برهنگی» به نظر می‌رسد که ورق برگشته است.

در بیانیه رسمی جشنواره کن آمده است: «برهنگی روی فرش قرمز همچنین در هیچ‌یک از فضاهای جشنواره پذیرفته نیست. هدف ما تنظیم سلیقه یا مد نیست، بلکه رعایت نزاکت و احترام به چارچوب فرهنگی و حقوقی این رویداد سینمایی است.» این تصمیم در عین حال که مورد حمایت بخشی از ناظران فرهنگی قرار گرفته، برخی را نیز شگفت‌زده کرده است. چگونه ممکن است در یکی از نمادهای سبک زندگی لیبرال غرب، محدودیت‌هایی این چنین در مورد پوشش اعمال شود؟

مرزهای آزادی و محدودیت

این تصمیم جشنواره کن، تنها یک قانون ساده درباره پوشش نیست، بلکه حامل پیامی فرهنگی و اجتماعی است که مرزهای آزادی را بازتعریف می‌کند. در جهانی که اغلب آزادی فردی به‌عنوان ارزشی مطلق و غیرقابل مصالحه تصویر می‌شود، کن با صراحت اعلام کرده که این آزادی در بستر عمومی، چارچوب‌هایی دارد و نمی‌تواند به قیمت نادیده گرفتن ارزش‌های جمعی یا نظم مراسم تمام شود.

درواقع، این تصمیم باز دیگر پرسش دیرینه‌ای را پیش‌روی ما قرار داده است: آیا آزادی پوشش باید بی‌قید و شرط باشد؟ پاسخ کن روشن و بدون ابهام است: خیر. حتی در مهد آزادی‌های فردی و در قلب فرهنگ لیبرال اروپای غربی حد و مرزهایی وجود دارد که نه از سر تحمیل یا سانسور، بلکه با هدف صیانت از شأن عمومی، ساختار رویداد و احترام به همه حاضران وضع می‌شوند.

جشنواره کن، یک رویداد صرفاً هنری نیست؛ بلکه یک وترین جهانی است که در آن سینما، مد، سیاست، رسانه و فرهنگ، درهم‌تنیده‌اند. بر این بستر، برگزارکنندگان باید مراقب باشند که فرش قرمز تبدیل به صحنه‌ای برای جنجال‌های سبک‌سرانه نشود. در چنین فضایی، تصمیم‌گیری درباره حدود آزادی پوشش نه تنها به‌حق که ضروری است.

این اتفاق نشان می‌دهد که حتی در جوامعی که مدعی بها دادن به آزادی‌های فردی هستند نیز آزادی همواره با مسئولیت و ملاحظه جمعی همراه است. آزادی در خلأ معنا ندارد. زمانی که فرد وارد فضای عمومی می‌شود، باید در نظر بگیرد که اعمالش ممکن است با ارزش‌های دیگران برخورد پیدا کند. در چنین تقاطعی، تنظیم‌گری برای ایجاد توازن بین آزادی فردی و شأن جمعی یک رویداد نه تنها مشروع، بلکه عقلانی است.

جشنواره کن، به‌عنوان یکی از معتبرترین جشنواره‌های سینمایی جهان، نه تنها میزبان هنرمندان و سلیبریتی‌هاست، بلکه در برابر نگاه مخاطبانی از دهها فرهنگ و کشور مختلف، قرار دارد. این یعنی: نوع پوشش حاضرین، فقط یک انتخاب شخصی نیست، بلکه بخشی از پیام فرهنگی رویداد است و این پیام نمی‌تواند به حال خود رها شود. تا تنها بازتاب‌دهنده تمایلات فردی باشد.

به همین دلیل است که کن تلاش دارد بین دو قطب اصلی - خلاقیت فردی و شئونات جمعی - نوعی تعادل ایجاد کند. تعادلی که به معنای حذف آزادی، بلکه به معنای تنظیم مقتدار آن برای پاسداری از فضای محترمانه و منظم جشنواره تصمیم اخیر کن نه عقب‌گرد از آزادی، بلکه نشانه‌ای از بلوغ فرهنگی در نحوه اعمال آن است.

این سیاست جدید به ما یادآور می‌شود که آزادی، اگر به درستی مدیریت نشود، ممکن است به جای ایجاد فضا برای هنر و گفت‌وگو، بستری برای هیاهو، خودنمایی و انحراف از موضوع اصلی رویداد شود. تصمیم کن، دعوتی است به بازاندیشی در معنای واقعی آزادی: آن نوعی از آزادی که در خدمت احترام، زیبایی و معنا باشد نه ابزاری برای جنجال و حاشیه‌سازی.

مرز باریک میان هنر و ابتذال

شاید یکی از انگیزه‌های اصلی این تصمیم، موج‌های رسانه‌ای سال‌های اخیر پیرامون لباس‌هایی باشد که پیش از قیام‌ها خبرساز می‌شدند. از حضور جنجالی بیانکا سنسوری در کنار کافیه وست در مراسم گرمی، تا اعتراض نیمه‌برهنه به جنگ اوکراین در جشنواره کن ۲۰۲۲، این پیام به وضوح شکل گرفته است: رسانه‌ها بیش از آنکه محتوای هنری را پوشش دهند، مجذوب سوژه‌های تحریک‌آمیز بصری شدهاند. جشنواره کن با وضع این محدودیت، می‌خواهد هویت هنری خود را از حواشی جدا کند. برهنگی اگرچه در جوامع آزاد غربی محکوم نیست، اما وقتی جنبه نمایشی و تبلیغاتی پیدا می‌کند، از دید بسیاری به ابتذال نزدیک می‌شود.

در خدمت فرم یا محتوا؟

تلاش برای تنظیم پوشش هنرمندان، تنها به برهنگی محدود نشده است. جشنواره امسال همچنین اعلام کرده که لیلی‌های بسیار حجیم به‌ویژه آن‌هایی که دنباله‌های بلند دارند و مانع حرکت یا نشستن در سالن می‌شوند نیز ممنوع هستند. این تصمیم علاوه بر جنبه زیبایی‌شناسی، جنبه اجرایی و عملی نیز دارد؛ چراکه نظم سالن‌ها، ایمنی مهمانان و تمرکز بر اصل سینما را مدنظر دارد. پوشش اغراق‌شده اگرچه می‌تواند خلاقانه یا چشم‌نواز باشد، اما زمانی که به اختلال در روند اجرای یک رویداد بین‌المللی منجر شود، دیگر صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه مداخله‌ای در تجربه جمعی محسوب می‌شود.

در این میان، سوال جدی‌تری مطرح است: آیا جشنواره کن در حال بازتعریف نقش «ظاهر» در مواجهه با «محتوا» است؟ شاید این تصمیم، پاسخی به همین دغدغه باشد. جشنواره‌ای که می‌خواهد جلوه‌های بصری را در خدمت فیلم و پیام هنری ببیند، نه بالعکس، در جهانی که ظواهر گاه بر محتوا غلبه می‌کنند و فرش قرمز شاید بتوان گفت که ما در آستانه عصری تازه هستیم که در آن، مرزهای اخلاقی و فرهنگی از نو تعریف می‌شوند؛ نه از سر اجبار، بلکه از سر هنر و روایت. معنا و تصویرهای ماندگار نه در لباس هنرمندان، بلکه روی پرده.

برندهای لوکس در برابر قوانین سخت‌گیرانه

با همه این تدابیر، هنوز شک و تردیدهایی باقی ماندهاند. آیا قوانین جدید در مورد همه یکسان اعمال خواهند شد؟ آیا استارهایی که با حمایت برندهای بزرگ و ثروتمند روی فرش قرمز قدم می‌گذارند نیز تحت همین محدودیت‌ها قرار خواهند گرفت؟ این پرسش‌هایی دلیل نیستند؛ چراکه در سال‌های گذشته، بارها دیده شده که قواعد جشنواره با دوگانگی اجرا شده‌اند یا اجرایشان سلیقه‌ای بوده است.

سابقه جشنواره نشان می‌دهد که گاه چهره‌های مستقل سینما به‌ویژه آن‌هایی که وابسته به جریان غالب یا حامیان مالی قدرتمند نیستند؛ با سخت‌گیری بیشتری مواجه بوده‌اند. در حالی که بازیگران دعوت شده توسط برندهای تجاری، آزادی بیشتری در پوشش داشته‌اند. همین موضوع باعث شده تا برخی ناظران، این ضوابط جدید را نه صرفاً تلاشی برای حفظ شأن سینما، بلکه ابزاری جنبه نمایشی و تبلیغاتی پیدا می‌کند؛ از دید بسیاری به ابتذال نزدیک می‌شود.

پیام کن به جهان: مرزهای آزادی

تصمیم جشنواره کن، از منظری فراتر از مد و سینما نیز قابل تحلیل است. این تصمیم، پیامی نیز به جوامع مختلف جهان و علاقه‌مندان برشمار هنر هفتم: هیچ جامعه‌ای، حتی آزادترین‌ها، بدون قواعد دوام نمی‌آورد در دورانی که «آزادی بی‌قید» به یکی از شعارهای پررنگ فرهنگ معاصر بدل شده، چنین رویکردی نشان می‌دهد که حتی نمادهای لیبرالیسم فرهنگی نیز گاهی ناگزیر از تعیین مرز هستند؛ مرزهایی که نه در تضاد با آزادی، بلکه در خدمت حفظ توازن اجتماعی‌اند.

درحالی‌که در بسیاری از جوامع غیرغربی، پوشش محافظه‌کارانه اغلب به‌عنوان نشانه‌ای از عقب‌ماندگی فرهنگی دیده می‌شود، حالا غرب خود دست به تعیین خطوط قرمز زده است.

به بیان دیگر، اگرچه کن نماینده لیبرالیسم فرهنگی است، اما نشان داد که فرهنگ بدون مرز، در نهایت کارکرد خود را از دست می‌دهد. شاید بتوان گفت که ما در آستانه عصری تازه هستیم که در آن، مرزهای اخلاقی و فرهنگی از نو تعریف می‌شوند؛ نه از سر اجبار، بلکه از سر ضرورت زیست جمعی در جهانی بحران‌زده.

در روزهایی که جهان با بحران‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کند، جشنواره کن نیز بعنوی تیلور همین تنش‌ها شده است. در کنار بحث پوشش، امسال بیش از ۳۸۰ سینماگر با انتشار نامه‌ای سرگشاده، سکوت جهانی نسبت به فجایع غزه را محکوم کردند.

فرش قرمز امسال نه فقط صحنه مد و سینما، بلکه میدان نزاع نگرانی‌های انسانی نیز بود. هنر در این فضا، دیگر تنها وسیله‌ای برای نمایش زیبایی نیست؛ بلکه ابزاری برای پرسش، اعتراض و مشارکت در گفت‌وگوی جهانی است.

در مجموع، تصمیم جشنواره کن برای ممنوعیت برهنگی، شاید بیش از هر چیز، یادآور این نکته باشد که در دنیای پیچیده امروز، هنر باید مرزی میان زیبایی و افراط، بیان آزاد و احترام عمومی و میان مدرن بودن و مسئول بودن حفظ کند؛ مرزی که نه مانع، بلکه بستر تعامل سازنده میان فرد و جامعه است.

مکث

نامتان بلند، نانتان گرم!

چندسالی است سایت‌ها و صفحات مجازی متعددی سر برآورده‌اند و براساس انرژی نام‌ها و نام‌گذاری براساس شخصیت، ماه تولد و طالع‌بینی و از این قبیل مسائل، افراد را سرکیسه می‌کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از قدس، دو سه سال پیش به قصد دیدار و گفت‌وگو با یک متخصص به یکی از معروف‌ترین روان‌شناسان شهر مراجعه کردم تا شاید دمی من را از شلوغی‌ها و اضطراب‌های زندگی روزمره جدا کند و مرهمی باشد بر آشفتگی‌های ذهنی که آن روزها دورم کرده بودند و اینکه اگر دچار اختلالات روانی شده‌ام راه حل و راهکاری جلو پایم بگذارد.

مرد جا افتاده و مو سپید کرده که همه مدارک علمی و مدارج دانشگاهی و حکم‌های مختلفش را در قاب‌های شیک و زیبا زده بود، به دیوار پشت سرش. چند دقیقه‌ای در سکوت فقط نگاهم کرد، بعد ناگهان اسمم را پرسید.

نام خانوادگی‌ام را گفتم بلافاصله گفت: نه اسم کوچیک منظورمه و بعد هم نام مادرم را خواست بعد سرش را پایین انداخت و در سکوت با خودکارش خط‌هایی روی کاغذ جلو رویش کشید. من همین‌طور که در تعجب دلشم به او و حرکات عجیبش نگاه می‌کردم با خودم گفتم: خدا تومن بیل دادمام بیشتیم اینجا سکوت آقا را تماشا کنیم! بالاخره سرش را بالا آورد و پرسید: «خب مشکل چیه؟»

نفس عمیق گرفتم تا یک برتر و بی‌تکلف‌تر وقتی همه حرف‌های از پیش تمرین کردمام را بریزم بیرون. وسط جمله سوم یا چهارم دست‌هایش را آورد بالا که یعنی صبر کن! دوباره رفت توی فاز سکوت و بعد از یک دقیقه گفت: تا حالا به این فکر کردی که اسمتو عوض کنی؟ من که فکر هرچیز سوالی را کرده بودم الا این، با بهت گفتم: «چرا باید عوض کنم؟»

گفت: «چون اگر اسمت رو عوض کنی همه این مشکلات حل میشه» مثال‌های متعددی هم از مراجعینی که به توصیه او عمل کرده و با تغییر اسم مشکلاتشان حل شده! فهمیدم بد جایی آمدمام و قرار نیست در این مطب اتفاق شگفت‌انگیزی برای روح و روانم بیفتد.

نام در طب سنتی

برخی از متخصصان طب سنتی می‌گویند اسم هم ملتند غذا و خوراک، طبع گرم و سرد دارد! باید طبع طرف را سنجید و برایش اسمی مناسب شرایط مزاجی‌اش انتخاب کرد. این بزرگوران البته نگفته‌اند که برای بچه یک روزه چطور می‌شود مزاج را تشخیص داد و چطور اسم مناسبی برایش پیدا کرد اما توصیه می‌کنند که اگر چنانچه فرد بالغی درصدد تغییر نام خود است حتماً با یک متخصص مزاج‌شناسی هم مشورتی داشته باشد!

حتماً شنیده‌اید که در گذشته وقتی بچه‌ای به دنیا می‌آمد اگر پدر و مادر اهل خدا و پیغمبری داشت، نه فقط سعی می‌کردند که نام مذهبی و با مسمایی برایش انتخاب کنند بلکه به محضر پیر روحانی و راسته‌ای می‌رسیدند تا علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، نام مناسبی هم برای او برگزیند. البته که این امر صرفاً جنبه‌ای احترام‌آمیز داشت پای هیچ متفقت خاصی در میان نبود. اما در گذشته‌های دور زمانی که طلاب، مدارس علمیه، در کنار دروس دینی، در کیمیا و ریاضیات و نجوم هم ورود می‌کردند، بنا به علاقه و فرهنگ حاکم بر جامعه، به یادگیری علم‌الاسما یا علم نامشناسی که یکی از علوم غریبه است هم می‌پرداختند. البته این علم جایگاهی در علوم تجربی امروز ندارد، اما در سالیان دور برای انتخاب یا تغییر نام، ازدواج و انتخاب همسر و... مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مبنای علم اسامی، رابطه حروف و کلمات با علم اعداد است و از تأثیری که یک اسم بر زندگی شخص می‌گذارد می‌گوید. مبدع این جریان فیثاغورث بود که اعتقاد داشت هر اسم دارای یک عدد است و در یک راستا بودن اعداد با انرژی‌های کیهانی می‌تواند به آن شخص خودم فکر کردم آن همه مدارج علمی، آن همه تحصیلات، آکادمیک و سال‌ها تجارب کاری چرا موجب نشد اگاهی روان‌شناس دست از این مسئله ماورایی بردارد و مراجعان بیچاره‌اش را به توصیه‌های غیرعلمی راهنمایی نکند؟ تغییر و تعویض اسم یک مسئله ساده نیست. بنا به گفته همان عالمان قدیمی علم اعداد، چنانچه کسی نام خود را تغییر دهد نه فقط سرنوشت خود که سرنوشت فرزندان و نسل‌های بعد از خود را هم تغییر خواهد داد. علاوه بر اینکه مسئله تغییر نام از نظر آن‌ها آن‌قدر حساس و پیچیده بود که ترجیح می‌دادند فرد نام خود را تغییر ندهد. از نظر آن‌هایی که قدکی با این علم آشنایی دارند تغییر دادن نام افراد و پیشنهاد نام جدید باید توسط فردی که از تخصص بسیار بالایی برخوردار است انجام شود. چون عواقب اشتباه عوض کردن نام به مراتب بدتر از ایضاع فعلی فرد خواهد بود. علاوه بر این در زمان‌های قدیم افراد قبل از اهل پول گرفتن نبودند و معمولاً بزرگانی که در مسائل متافیزیکی مردم را راهنمایی می‌کردند از این کار متفعت‌های عایدشان نمی‌شد.

نامتان باشد، نانتان گرم

حلا آن روان‌شناس مشورته به جای خود. اینکه چندسالی است سایت‌ها و صفحات مجازی متعددی سر برآورده‌اند و براساس انرژی نام‌ها و نام‌گذاری براساس شخصیت، ماه تولد و طالع‌بینی و از این قبیل مسائل، افراد را سرکیسه می‌کنند را کجای دلمان باید بگذاریم؟ خیل افراد و به‌خصوص جوانان و میانسالانی را هم که فکر می‌کنند فقط با عوض کردن نامشان می‌توانند موفقیت‌های بزرگ مالی و پیشرفت‌های شگرفی در زندگی کسب کنند، به این ماجرا اشاره کنیدمان و قوت مشکل چندچندان می‌شود.

یعنی رواج حدی از سطحی‌نگری در میان کاربران انبوه فضای مجازی که فکر می‌کنند همه شکست‌ها، تصمیمات غلطی که توی زندگی گرفته‌اند راه‌های کجی که رفته‌اند و بدبختی‌هایی که خودشان با عوامل دیگر برایشان رقم زده، فقط و فقط زیر سر «اسم»مان است که قرری درست و حسابی ندارد و اوضاع کیهانی‌اش خوب نیست! اصلاً قرار نیست ادعا کنیم «موفقیت و پیشرفت» ربط و رابطه‌ای با «نام»ها آسمان ندارد. حرف اصلی بر سر این است بدانیم این «نام» است که می‌تواند بر «موفقیت» انسان و سعادتمندی‌اش تأثیر بگذارد یا بر عکس؟ موفقیت و خوشبختی واقعی‌ایتالله که در سایه تلاش و پشتکار بدست می‌آید. خودش باشد کننده نام فرد است و در این میان نانی هم اگر نصیب کسی می‌شود، حاصل همان پشتکار و عرق پیشانی و غیرت فرد است.